

نمایشگاه کتاب، آغاز اتفاقات خوب برای اهل قلم است



مجید قیصری، نویسنده برگزیده جایزه ادبی جلال آل احمد گفت: امیدوارم در این دوره از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، شاهد اتفاقات خاص و

ویژه‌ای باشیم و شاهد حضور ناشرانی باشیم که در دوران گذشته تمایلی به شرکت در نمایشگاه نداشتند. این آغازی بر اتفاقات خوب برای همه ماست. این نویسنده با اشاره به این‌که برخلاف نظر برخی کارشناسان بر این باور است که خوانندگان همچنان از نثر غنی استقبال می‌کنند، بیان کرد: نمی‌توان گفت مردم از ادبیات کلاسیک فاصله گرفته‌اند چرا که از اساس در محتوای تخیلی رخ نداده و ادبیات کلاسیک همچنان تجدید چاپ می‌شود و ناشران نیز همان مجموعه را دنبال می‌کنند اما هنگامی که ناشران شاهد کاهش استقبال مردم هستند، بدیهی است ناشران نیز در این ژانر سرمایه‌گذاری محدودتری داشته باشند.

قیصری گفت: روشن است که استقبال دنیا از ادبیات کلاسیک بالاست و همین اتفاق، کار را برای انتخاب اثر خوب آسان‌تر می‌کند. از سوی دیگر ناشران در ایران نیز گلچینی از بهترین‌های این گروه را جمع‌آوری و منتشر می‌کنند و با این کار به طول عمر مجموعه خود کمک بسیاری کرده‌اند. ناشران ترجیح می‌دهند روی آثار کم‌ریسک‌تر و مطمئن‌تر سرمایه‌گذاری کنند تا خیالشان از بازگشت سرمایه در آن آسوده باشد.

او در ادامه با اشاره به نقش نمایشگاه کتاب در تنظیم میان عرضه و تقاضای کتاب بیان داشت: آسیب به فرهنگ یک ملت آنجا آغاز می‌شود که مطالعات و آثار پژوهشی با وجود فرآیند طولانی تولید و انتشار، قابلیت استفاده مادام‌العمر را ندارند و همین موضوع منجر به استقبال اندک ناشران از انتشار آثار پژوهشی می‌شود.

وی ادامه داد: برای بسیاری از خوانندگان دیگر تهیه آثار فاخر چند جلدی ممکن نیست؛ چند جلدی‌هایی که حالا قیمت‌های میلیونی دارند، بدون در نظر گرفتن شرایط معیشتی عموم مردم در دست انتشار است و شرایط را برای دانشجویان و گروه‌های اجتماعی هدف برای مطالعه آنها دشوارتر می‌کند. گاهی دانشجویان برای تهیه منابع مدنظرشان از تأمین نیازهای بدیهی خود عبور می‌کنند تا بتوانند بخشی از فهرست مورد نیاز برای مطالعه و پژوهش خود را داشته باشند. البته اگر شرایط مالی امکان اتفاقات بهتری را بدهد، ناشران هم از تجدید چاپ بیشتر استقبال می‌کنند. هرچه هزینه‌های جانبی روند انتشار و توزیع اثر بالاتر می‌رود، خروجی نهایی متوجه فرهنگ است.

نویسنده کتاب «سنگ اقبال» با بیان این‌که معتقد است مردم همچنان قادرند محتوای خوب و باکیفیت را بشناسند و به شیوه‌های گوناگون آن را میان یکدیگر تبلیغ کنند، گفت: هر قدر بحث و نقد عمومی نسبت به آن افزایش پیدا کند، واضح است که استقبال و اقبال عمومی را تا حد بالایی از آن خود می‌کند و این یکی از کارکردهای نمایشگاه کتاب است. سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ با شعار «بخوانیم برای ایران» در محل مصلاي امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.

چند خط برای کتاب «سرب‌هوا» که زندگی شهید عباس اکبری را روایت می‌کند

وقتی شاه‌رگ قلب دشمن پاره شد

الهام رضایی

مرورنویس



برای فیلم هم شاید بیننده را از روند داستان دور کند. چه برسد به کتاب که شما هیچ تصویری ندارید و ذهن خواننده را در ابتدای کتاب کمی درگیر خود می‌کند ولی با قلم توانا و شیرین خانم الف خانی، یک به یک شخصیت‌های داستان اضافه می‌شوند و مخاطب کم‌کم همراه می‌شود.

شیطنت‌های عباس

در تمام طول داستان شیطنت‌های عباس دیده می‌شود؛ شوخی‌هایی که مرزی به نام سن‌وسال برایش وجود ندارد. شیطنت‌هایی که شیرینی خواندن این کتاب مدیون آنهاست. شوخی‌هایی که تا آخر کتاب دیده می‌شود. عباس «جی منفی» کشید و خود را از بالای جنگنده عراقی به هدف تلمبه‌خانه نزدیک کرد. موشک سایدواندر، روی هدف قفل شد و آماده شلیک بود. عباس خوشحال بود. دستش را روی دکمه گذاشت. خندید و با لهجه قمی فریاد زد: «کُج نشستی صدام؟ پنبه توی اون ریختت بمال! خوب نگاه کن جوجه‌کلاغ ایرانی اومده!» (صدام خلبانان ایرانی را جوجه‌کلاغ ایرانی خطاب می‌کرد). موشک شلیک شد. پایگاه‌گر گرفت. جهنم شد. شاه‌رگ قلب حیات عراق پاره شد. زبانه‌های آتش نفت تا هواپیما بالا آمد. (خلبان‌ها) با هری و شهری که از دور انبوه آتش را از پالایشگاه دیدند، گردش به راست کردند تا به سمت مرز کشور برگردند. منتظر هواپیمای عباس بودند. در آسمان گشتند ولی چیزی ندیدند. آتش بود که از زمین به آسمان می‌بارید... شانه‌های مجتبی در کابین عقب می‌لرزید؛ با صدای بغض‌آلود توی بیسیم گفت: «عباس کُج رفتی؟ کُج موندی؟ جواب بده عباس قمی!» آن شب در پایگاه نوژه همدان، تلویزیون شبکه عراق را گرفته بود که سوختن لاشه هواپیما را نشان می‌داد.

دیده شده که نیروهای بعثی، خلبانان را در حال ایجکت مورد تیراندازی قرار داده‌اند و این برخلاف کنوانسیون بین‌المللی است. کشور عراق باید در این رابطه پاسخگو باشد. با تمام حس غرور و افتخاری که از مطالعه این کتاب نصیب هر خواننده ایرانی خواهد شد، خاطرنشان می‌کنم که از ابتدای کتاب و همان صفحات اول، اشتباهات تایپی مورد توجه بود. چه بهتر است که متن کتاب قبل از انتشار یک بار که نه، چندین بار توسط خود نویسنده که حق مادری دارد برای اثر بازمینی می‌شد.

کتاب «سرب‌هوا» نوشته اکرم الف خانی، روایتی داستانی از زندگی شهید عباس اکبری است. عباس بابایی، عباس دوران، عباس اکبری و... گویا علمی بزرگ در آسمان‌ها جامانده برای یاسبانی از اسلام حسین (ع) که این عباسان علمدار، چشم از زمین و زمینیان شستند تا آن علم بر زمین نیفتد.

مهارت، تخصص، شجاعت و ازجان‌گذشتگی شهید عباس اکبری هم‌ردیف عباس بابایی و عباس دوران است اما نمی‌دانم چرا تا به حال فدائیکاری این مرد بزرگ برای کمتر کسی بازگو شده است. بعد از تمام شدن جنگ تحمیلی و امضای قطعنامه، صدام پتروشیمی ماهشهر را بمباران کرد. کادر هوانیروز هم مثل بیشتر نیروهای مسلح با شنیدن خبر پایان جنگ به تعطیلات و مرخصی رفته و تنها نیروهای کمی در پایگاه‌ها مستقر بودند. از بین همان چند نفر هم بعضی به بهانه‌های مختلف حاضر به پرواز نشدند. پروازی باید انجام می‌شد تا سبیلی محکمی به صورت صدام بدعهد باشد. شهید عباس اکبری و دوستانش به فرمان امام با حمله به کرکوک بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عراق، این دشمن بعثی را متنبه کردند. پالایشگاه کرکوک قلب پتنده صادرات نفت عراق بود و با مدرن‌ترین تجهیزات هوایی مثل هواپیماهای رهگیر میگ ۲۳ محافظت می‌شد. صدام در خواب شبش هم نمی‌دید ایرانی‌ها بتوانند از سد پدافند هوایی و دفاعی کرکوک عبور کنند و خود را به قلب تلمبه‌خانه نفت عراق برسانند. دشمن ایران باید بداند اگر به پشتوانه به روزترین تجهیزات و بیشترین امکانات به ایران دست‌درازی کند، دستش قلم خواهد شد.

سکوت کامل رادیویی

فاصله پایگاه هوایی تا کرکوک عراق برای هواپیمای عباس اکبری خیلی زیاد بود. یعنی نیمه‌راه سوخت هواپیما تمام می‌شود. امکان سوختگیری زمینی وجود ندارد، پس سوختگیری هوایی باید انجام شود. برای این عملیات مهم یک تانکر سوخت‌رسانی بوئینگ ۷۰۷ تیم عملیات را همراهی می‌کرد. سوختگیری هوایی کاری پراستراب، سخت و بسیار خطرناک است که جز با تمرکز، دقت و مهارت خلبان ممکن نیست ولی این کار سخت با وجود مرد خطر کارآزموده‌ای چون عباس اکبری انجام می‌گیرد. از سختی‌های دیگر این عملیات این بود که خلبان‌ها در تمام طول مسیر نباید هیچ صحبت یا ارتباطی با برج و حتی تانکر سوخت داشته باشند. یعنی عملیات باید در سکوت کامل رادیویی انجام بگیرد.

خواب پرتقالی

کتاب سرب‌هوا نوشته اکرم الف خانی با یک خواب پرتقالی شروع می‌شود؛ خوابی که دختر شهید (آرزو اکبری) در آن با بابای قهرمانش خدا حافظی می‌کند. کتاب با برش‌هایی از زندگی شهید روایت می‌شود؛ داستان‌های کوچکی که رفت و برگشت‌هایی بین کودکی و بزرگسالی خلبان شهید عباس اکبری است. این سوییچ‌کردن بین سال‌های مختلف زندگی شخص

